



انتشارات کتابخانه فرهنگ

کتاب جامع آزمون زبان انگلیسی

دکتری نیمه متمرکز

(گرامر - واژگان - درک مطلب - تحلیل تست های آزمون دکتری)

با تجدید نظر کلی و افزودن مطالب و تست های جدید

(تحلیل آزمون دکتری از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ و تست های شبیه سازی)

منطبق با آخرین تغییرات آزمون دکتری و مصوبه های سازمان سنجش (۱۳۹۷)

- ✓ گرامر : توضیحات کامل گرامری + بخش کپسول گرامر (مهارت های ۶۰ کانه لانگمن) + صدها تست با پاسخ تشریحی و نه آزمون شبیه سازی شده
- ✓ لغت : فهرست کامل لغت های ۵۰۴ واژه ، اسنشیال وردز ، لغات GRE و ۱۱۰۰ واژه + مهارت های به خاطر سپردن لغت ها + صدها تست جدید
- ✓ درک مطلب : توضیحات کامل مهارت های درک مطلب (بر اساس کتاب لانگمن) + صدها تست همراه با ترجمه و پاسخ تشریحی ، ۵۰۰ تست خود آزمایی

چاپ بیست و ششم
ویرایش چهارم

قابل استفاده : تمامی داوطلبان آزمون دکتری

همراه با DVD آموزشی رایگان

۵ ساعت فایل صوتی تدریس زبان دکتری توسط
دکتر خیرآبادی ، چندین نرم افزار و
منبع آموزشی ضروری (گرامر ، لغت ، درک مطلب)

مؤلف :

دکتر رضا خیرآبادی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

خلاصه گرامر

از کتاب جامع درس و تست زبان دکترا آزمون

دکتر نیمه متمرکز

دکتر رضا خیرآبادی

انتشارات کتابخانه فرهنگ

نکته ۱: زمان ها

گذشته	گذشته ساده*	زمان گذشته فعل (قسمت دوم) + فاعل I walked to school yesterday
	گذشته استمراری	ing + فعل + was / were + فاعل I <u>was watching</u> TV when you <u>called</u> me
	گذشته کامل	... + قسمت سوم فعل + had + فاعل I had studied this book Farzane <u>was</u> happy because she <u>had passed</u> the exam
حال	گذشته کامل استمراری	ing + فعل + had + been + فاعل When you <u>came</u> , I <u>had been watching</u> a movie
	حال ساده*	شکل ساده فعل (مصدر بدون to) + فاعل I go to cinema every week The earth goes round the sun
	حال استمراری	ing + فعل + am / is / are + فاعل I am watching TV now
آینده	حال کامل*	... + مفعول + قسمت سوم فعل + have / has + فاعل I have studied this book
	حال کامل استمراری	... + ing + فعل + have / has + been + فاعل I have been washing the dishes for half an hour
	آینده ساده	... + فعل ساده + will / should / must / can / may + فاعل I will buy a house next year
	آینده نزدیک	فعل + am / is / are + going to + فاعل I am going to buy a house tomorrow
	آینده استمراری	... + ing + فعل + will + be + فاعل I will be watching TV this time next week At six o'clock on Friday, I will be playing football
	آینده کامل	قسمت سوم فعل + will + have + فاعل I will have studied I will have left the country by the time you read this letter

- بیانگر عملی است که در زمان گذشته انجام گرفته و پایان یافته است.
- اگر فعل بی قاعده باشد باید به صورت زمان گذشته (قسمت دوم) به کار رود، در غیر این صورت ed – به آن اضافه می شود.

- بیانگر عملی است که در لحظه مشخصی در زمان گذشته در حال انجام بوده است.
- این زمان عمدتاً به همراه یک زمان گذشته ساده استفاده می شود و کلمات پیوند دهنده when و while این دو بخش را به هم وصل می کنند.

- بیانگر عملی است که در زمان گذشته و قبل از عمل دیگری انجام شده، پایان گرفته و اثر آن هم از بین رفته است. من کتاب را خوانده بودم، به آن معناست که زمانی در گذشته این کتاب را خواندم اما اثر آن اکنون از بین رفته و مطالب آن را به یاد نمی آورم.
- این زمان به همراه یک زمان گذشته ساده به کار می رود و کلماتی مانند before و because این بخش را به هم پیوند می دهند.

- این زمان به همراه یک زمان گذشته ساده به کار می رود.

- در سوم شخص مفرد فعل S- یا ES- می گیرد.
- بیانگر عملی است که به صورت معمول و از سر عادت (به صورت روتین) انجام می شود.
- حقایق علمی و حقایق کلی که واقعیت های پذیرفته شده و غیرقابل انکار را تشکیل می دهند، به کمک زمان حال ساده بیان می شوند.

- بیانگر عملی است که در همین لحظه در حال انجام شدن است.
- قیود زمان now و at the moment به معنای اکنون و در همین لحظه، نشانه اصلی این زمان می باشند.

- بیانگر عملی است که در گذشته انجام شده، اما اثر آن هنوز باقی است. من کتاب را خوانده ام، به آن معنا که هنوز مطالب آن را به یاد دارم.
- قیود نشانه این زمان: lately, so far, already, recently, yet, just, for, since, (اخریاً) in recent years
- Since (از) مبدا زمان، for (برای) طول دوره
- Yet و already به معنی هنوز و تا کنون – yet با جملات منفی و در پایان جمله – already عمدتاً در وسط جمله و در جملات مثبت

- تفاوت زمان حال کامل و حال کامل استمراری: در حال کامل استمراری، انجام عمل در لحظه حاضر مورد تاکید است.
- افعالی مانند die, break, fall, remain که صورت لحظه ای ندارند، نمی توان آن ها را به قالب استمراری برد.

- بیانگر عملی است که در زمان آینده انجام خواهد شد.
- همه فعل های کمکی زمان حال مانند must, may, can, should نشانده آینده هستند و فقط will نیست. وقتی می گوییم باید درس بخوانم منظور این است که باید در آینده درس بخوانم.

- بیانگر عملی است که در زمان آینده نزدیک انجام خواهد گرفت، یعنی مقدمات انجام آن محقق گردیده و احتمال انجام آن بیشتر از زمان آینده ساده می باشد.

- بیانگر عملی است که در زمان آینده به صورت استمرار اتفاق بیافتد.
- این زمان دارای قید زمان معروف this time و مشتقات آن است.
- این زمان به همراه حال ساده نیز به کار می رود که در آن صورت با when همراه می شود. when you are in England, I will be studying for exam
- در این زمان نقطه دقیق انجام عمل مشخص است اما در زمان آینده کامل نقطه دقیق انجام عمل مشخص نیست و همین موضوع فرق این دو زمان است.

- بیانگر عملی است که در زمان آینده و قبل از زمان معینی پایان بگیرد.
- این زمان عمدتاً با حرف اضافه by و یک قید زمان در آینده به کار می رود.
- در این زمان، نقطه انجام عمل به لحاظ زمانی مشخص نیست و این نکته تفاوت آن با زمان آینده استمراری است.

مصدر با to (to go)

○ در بیشتر موارد فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می رود. افعالی که فعل پس از آن ها به صورت مصدر با to به کار می رود بسیار زیاد هستند و نمی توان همه آن ها را فهرست کرد. به صورت از پیش تعریف شده، فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می رود مگر این که خلاف آن ثابت شود.

I decided to study linguistics.

○ صورت منفی این جملات با اضافه شده not قبل از to ساخته می شود.

I decided not to study linguistics.

مصدر بدون to (go)

۱. پس از افعال let (اجازه دادن)، make (وادار کردن)، have (مجبور کردن) فعل دوم مصدر بدون to

I made him not watch TV.

نکته: منفی با اضافه شده not قبل از فعل اصلی ساخته می شود.

۲. پس از افعال حسی، فعل دوم به صورت اسم مصدر (همراه با ing) به کار می رود یا به صورت مصدر بدون to. افعال حسی عبارتند از:

see, hear, feel, watch, smell, taste, listen to, touch, observe, look at, ...

I saw him pass (passing) the street.

*۳. فعل پاره جمله دوم مصدر بدون to + that + پاره جمله اول فعل آن یکی از افعال demand

Ask	Demand	Prefer	Recommend	Request	Urge	حالت منفی I request that Ali not be here.
Advise	Insist	Propose	Require	Suggest		

۴. اگر جمله با it شروع شود، پس از آن is یا was بیاید و سپس با یک صفت و موصول that همراه شده و به جمله دیگری وصل شود، فعل جمله دوم مصدر بدون to است.

It + is / was + essential/ necessary/ important/ easy/ required/ needed + that + jack be here on time.

۱. مهم ترین افعالی که پس از آن ها فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing + فعل) به کار می رود عبارتند از:

Appreciate	Deny	Enjoy	Forgive	Wouldn't	Miss	Practice	Quit	Risk	Stop	Tolerate
Avoid	Delay	Escape	Forbid	Couldn't	help	Mind	Postpone	Recall	Suggest	
Admit			Finish	Can't		Prevent		Regret		
								Resist		
								Recommend		

۲. پس از افعال حسی، فعل دوم به صورت اسم مصدر (همراه با ing) به کار می رود یا به صورت مصدر بدون to. افعال حسی عبارتند از:

see, hear, feel, watch, smell, taste, listen to, touch, observe, look at, ...

I saw him pass (passing) the street.

۳. عموماً پس از حرف اضافه فعل دوم به صورت اسم مصدر (همراه با ing) به کار می رود.

نکته: پس از علامت مصدری to فعل بعدی نمی تواند به صورت ing - به کار رود.

۴. پس از دو فعل object to (اعتراض کردن)، look forward to (منتظر بودن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (همراه با ing) به کار می رود.

۵. بعضی افعال در ترکیب با go معنی خاصی می یابند. شکل بل بعد از go به صورت اسم مصدر می شود.

go dancing, go fishing, go jogging, go running, go skating, go skiing, go swimming, go hiking, ...

۶. بعد از عبارت it's worth فعل ing دار می آید. **It's worth watching** this movie. نقش صفت دارد

اسم مصدر (going)

go dancing, go fishing, go jogging, go running, go skating, go skiing, go swimming, go hiking, ...

شرطی نوع اول

○ بیانگر عملی است که اگر در زمان حال رخ دهد، نتیجه آن در آینده مشخص می شود.

If آینده ، حال ساده

If you study, you will pass the exam.

If حال ساده ، بیان فکت علمی

If you warm the ice, it melts.

نوع دیگر شرطی نوع اول با جمله امری است:

If جمله امری ، حال ساده

If anyone calls, please tell him to come at once.

شرطی نوع دوم

○ بیانگر عملی است که اگر در زمان حال انجام می پذیرفت منجر به نتایجی می شد اما این فرض محال است و آن اتفاق رخ نداده است.

If گذشته ساده ،

would
could + to
might

 مصدر بدون

If I had enough money, I would buy a house.

اگر پول کافی داشتم خانه می خریدم، یعنی پول کافی ندارم و خانه نخواهم خرید. این نوع زمان حال را، **حال غیر واقعی** (unreal present) می گوئیم.

نکته: در این جملات شرطی به جای **was** از **were** استفاده می شود.

If I were you, I wouldn't buy that house.

شرطی نوع سوم

○ بیانگر عملی است که اگر در زمان گذشته رخ داده بود، منجر به نتیجه ای می گردید اما این اتفاق نیافتاده و زمان مربوط به گذشته است.

If گذشته کامل ،

would
could
might

 have + p.p.

If you had studied, you would have pasted the test.

نکته: نوع دوم و سوم می توانند ترکیب شده و شرطی آمیخته (mixed conditional) ایجاد کنند:

If I had studied harder, I would be a doctor now.

آینده در گذشته گذشته کامل

نکات شرطی ها:

۱. اگر بعد از **if** افعال کمکی از جمله **should, were, had** و ... باشد، هنگامی که **if** حذف می شود فعل کمکی به اول جمله می آید.

If I should see him today, I'll tell him to call you.

If he were home now, you could call him.

Should I see him today, I'll tell him to call you.

Were he home now, you could call him.

۲. مجهول در جملات شرطی

ساختار مجهول را می توان در هر یک از دو قسمت جمله شرطی به کار گرفت.

If I had mailed my application on time, I could have taken the test.

If my application had been mailed on time, I could have taken the test.

۳. جایگزین کردن **if**

if	Unless = if not (مگر این که)	Unless you hurry, we will miss the movie. If you don't hurry, we will miss the movie.
	Provided (that) = (به شرط این که)	وقتی از provided that استفاده می کنیم که قصد تاکید و نشان داده شدن شرط را داشته باشیم I will lend you money provided that you repay me as soon as possible.
	In case = (در صورتی که)	عمدتاً در شرطی نوع اول به کار می رود. In case it snows, we will have the picnic inside. I will plan to drive in case you have trouble with your car.
	Suppose/supposing = (به فرض این که)	What would/will happen suppose you fail final exam. What will happen if you fail final exam.

نکته ۴: تطابق

تطابق فعل و فاعل

۱. ضمائر مبهم زیر همواره مفرد هستند:

anyone, everyone, someone, everybody, something, somebody, no one, whatever, what, nothing, either, neither, ...

۲. هنگامی که دو فاعل با ترکیب **neither ... or** یا **either ... nor** به هم مرتبط شوند فاعلی که به فعل جمله نزدیک تر است فاعل حقیقی محسوب می شود و با آن مطابقت می کند.

Neither Ali or his brothers are here.

Neither his brothers or Ali is here.

۳. اسم های زیر به ظاهر جمع، اما در واقع مفرد هستند:

Politics, economics, ethics, physics, news, diabetes, the united nations, the Philippines, ...

Eight hours of sleep is enough.

Ten dollars is too much to pay.

Five thousand miles is too far to travel.

۴. عبارت های مربوط به زمان، پول و فاصله معمولاً با فعل مفرد به کار می روند.

۵. اسم هایی مانند **people, police, cattle** جمع هستند. (**people** با **s** جمع به معنای قبایل و قومیت های مختلف است و **police** در قالبی مانند **a police officer** مفرد است)

تطابق اسم و ضمیر

نکته ۵: همسانی مقوله های دستوری

عناصری را می توان با هم در ک مجموعه، همسان و هم پایه کرد که به یک مقوله دستوری واحد تعلق داشته باشند.

حروف ربط و وصل کننده هایی مانند **and, or, but, as, than** هم شامل قاعده همسانی مقوله های دستوری می شوند:

I love patience and calmness.

اسم اسم

Buying a new computer is sometimes easier **than** fixing a broken one.

v+ing v+ing

Speaking English is as easy **as** drinking water.

v+ing v+ing

قیود ربط همپایگی دو بخشی مانند **both ... and, either ... or, neither ... nor, not only ... but also** هم شامل این قاعده می شوند:

Ali is **not only** taller **but also** older than Reza.

صفت تفضیلی صفت تفضیلی

The agency offers **both** selling and renting cars.

v+ing v+ing

نکته ۶: ساختار های بدون فاعل

حتماً پس از آن ها یک جمله کامل می آید. ساختار آن ها به یکی از دو صورت زیر است:

ing + فعل

... + مفعول + فعل + فاعل ,

جمله کامل

قسمت سوم فعل + **having**

فاعل جمله کامل باید از نظر منطقی اسم یا ضمیری باشد که بتواند نقش فاعل برای ساخت بدون فاعل را هم ایفا کند.

ing + فعل: برای بیان دو عمل که فاعل هر دو یک نفر باشد و دو عمل در یک لحظه و به طور همزمان رخ داده باشند (معلوم است و خودش کننده کار است و همزمان رخ داده)

Brushing his teeth, he answered the phone.

قسمت سوم فعل + having: برای بیان دو عمل که فاعل هر دو یک نفر باشد و در امتداد هم رخ داده باشند. برخلاف حالت قبل که همزمانی است، در این حالت توالی و پشت سر هم کارها رخ می دهند (معلوم است و پشت هم رخ داده).

در این موارد فقط **having** استفاده می شود، **hading** و **hasing** نداریم.

زمانی که قسمت سوم فعل اول بیاید، حالت مجهول داشته و کننده کار مشخص نیست. مفعول در جایگاه فاعل قرار گرفته است (مجهول است و خودش کننده کار نیست).

Built on the coast of river X, the castle was named queen X.

بخش فاعل + by می تواند باشد و یا حذف شود.

(فاعل + by) + قسمت سوم فعل + صرف فعل to be + مفعول

ساده حال	Ali washes the dishes every night. The dishes are washed (by Ali) every night.	ساده گذشته	Ali washed the dishes yesterday. The dishes were washed yesterday.	ساده آینده	Ali will wash the dishes. The dishes will be washed.
استمراری حال	Ali is washing the dishes now. The dishes are being washed now.	استمراری گذشته	Ali was washing the dishes. The dishes were being washed.	تدریجی آینده	Ali is going to wash the dishes. The dishes are going to be washed.
کامل حال	Ali has washed the dishes. The dishes have been washed.	کامل گذشته	Ali had washed the dishes. The dishes had been washed.		

این ساختار ها همگی مربوط به زمان گذشته هستند. بر حسب کاربرد و تفاوت معنایی به موارد رو به رو تقسیم می شوند.

may/might have P.P

برای بیان عملی که ممکن است در گذشته انجام شده باشد ولی ما در مورد انجام شدن یا نشدنش اطمینان نداریم.

I can't find my keys.
I may / might have lost them in the office.

must not have P.P

If X → Y

برای بیان عملی که به صورت منطقی نتیجه وضعیت و یا عمل دیگری است و از نظر منطقی در نتیجه یک وضعیت دیگر وقوع آن محتمل باشد.
The streets are all wet. It must have rained last night.

Could have P.P

برای بیان عملی که می توانسته در زمان گذشته انجام شده باشد، اما انجام نشده است.

Why did you go to hotel, when you were in Tehran?
You could have come to our house.

Could not have P.P ... + without

برای بیان عملی که نمی توانسته در گذشته انجام شده باشد، اما انجام شده است.

This project couldn't have finished without your help.

Should have P.P

برای بیان عملی که در گذشته می بایست انجام می شده، اما انجام نشده است.

You should have finish your homework.

Should not have P.P

برای بیان عملی که در گذشته نمی بایست انجام می شده، اما انجام شده است.

You shouldn't have eaten too much.

must + be + فعل + ing

The line is busy. Someone must be using the phone now.

برای بیان عملی که می بایست در زمان حال در حال انجام باشد.

ساخت های سببی

فعل (مصدر با to) + فاعل حقیقی + صرف فعل get + مسبب (سفارش دهنده)

I got Ali to fix my car
I will get someone to fix my car

فعل (مصدر بدون to) + فاعل حقیقی + صرف فعل have + مسبب (سفارش دهنده)

I will have someone fix my car

قسمت سوم فعل + مفعول + صرف فعل get / have + مسبب (سفارش دهنده)

I had/got my car fixed.
I will have / get my car fixed.

با استفاده از فعل کمکی get

با استفاده از فعل کمکی have

در حالت مجهول تفاوتی بین get و have وجود ندارد

معلوم: فاعل حقیقی کار معلوم است

مجهول: فاعل حقیقی کار معلوم نیست

نکته ۱۰: تفاوت had better و would rather

از نظر معنی تفاوت اساسی دارند.

Would rather

Had better

✓ به معنای "ترجیح دادن" و فاعل آن اصولاً **ا** می باشد.

✓ فعل بعد از آن به صورت **مصدر بدون to**

✓ ترجیح دادن در **would rather** را با **than** می توان کامل کرد – فعل بعد از **than** طبق قاعده همسانی سازه ها به صورت مصدر بدون **to**

✓ صورت منفی **would rather**

با افزودن **not** قبل از مصدر بدون **to**

I would rather not tell you

✓ صورت کوتاه شده **I'd rather**

would

I'd rather study history than study biology

✓ صورت استمراری **would rather**

Would rather + be + فعل + ing

I would rather be lying on a beach in India than be sitting in class right now.

✓ صورت گذشته **would rather**

قسمت سوم فعل + **have** + **would rather**

The movie was ok, but I would rather have gone to the concert last night

نکته ۱۱: تفاوت to be used to , used to

Used to

To be used to

✓ برای بیان عملی که به صورت عادت در زمان گذشته انجام می شده و اکنون دیگر خاتمه یافته است. در این حالت **used to** تقریباً هم معنا با **would** است.

✓ فعل بعد از آن به صورت **مصدر بدون to**

When I was a child, my father would read me a story at night

When I was a child, my father used to read me a story at night

✓ برای منفی کردن

used not to

I used not to play football when I was young

never used to

I never used to play football when I was young

✓ برای بیان عملی که به صورت عادت در گذشته آغاز شده و این عادت هنوز هم ادامه دارد.

✓ فعل بعد از آن به صورت **اسم مصدر (ing + فعل)**

I am used to playing football.

عادت دارم فوتبال بازی کنم

✓ **get used to** هم تقریباً مانند **to be used to** است و فعل بعد از آن به صورت اسم مصدر (ing دار) می آید.

We will soon get used to paying more money for fuel.

به زودی عادت خواهیم کرد برای سوخت پول بیشتری بپردازیم

نکته ۱۲: کاربرد
to be supposed to

✓ برای بیان توقع و انتظار

✓ فعل بعد از آن به صورت **مصدر بدون to**

✓ در زمان گذشته به کار رود به معنای توقع و انتظاری است که برآورده نشده است.

✓ صورت مجهول **to be supposed to**

قسمت سوم فعل + **be** + **supposed to**

Fred is supposed to be told about the meeting

انتظار می رفت به فرد درباره جلسه اطلاع داده شود

I am suppose to go to the party

از من انتظار می رود که به مهمانی بروم

Jack was suppose to call me last night. I wonder why he didn't.

✓ جملات آرزویی با wish شروع می شوند

✓ زمان جمله پایه را پیدا می کنیم و آن را در جمله wish یک زمان به عقب ببریم.

✓ مانند جملات شرطی به جای was از were استفاده می کنیم.

She is not here right now. I wish she were.

✓ در حالت های گلایه از شرایط موجود آینده در گذشته → حال ساده

It is raining now. I wish it would stop (I want it to stop raining.
I am expecting a call. I wish the phone would ring (I want the phone to ring)

✓ I wish you would ← برای بیان خواهش

We are going to be late, I wish you would hurry.

گذشته ساده → حال ساده

گذشته استمراری → حال استمراری

گذشته کامل (ماضی بعید) → حال کامل (ماضی نقلی)

گذشته کامل → گذشته ساده

گذشته کامل → گذشته کامل

آینده در گذشته → آینده

حشو

به کار بردن کلمات زائد و اضافی (به ویژه ضمایر و صفات) که به راحتی قابل حذف از جمله هستند و حذف آن ها لطمه ای به معنای جمله نمی زند.

× The most common job in the city it is door keeping.

× This is the man who I talked to him last night.

پرگویی

تا جای ممکن منظورمان را با کلمات کمتری بیان کنیم. جمله کوتاه تر صحیح تر است.

- به کار بردن in a (adj.) manner به جای قید، مصداق پرگویی و نادرست است.

× He answered my question in a quick manner.

✓ He answered my question quickly.

× My best friend is a student from India.

✓ My best friend is an Indian student.

× The man who was old helped me.

✓ The old man helped me.

× It was a mission of great importance.

✓ It was an important mission.

Coordinating Conjunctions
قیود ربطی تک بخشی

but nor or and for so yet

My parents were poor but happy.	Nobody wants to do homework or to listen to music.
The room is for the teachers but not for the students.	She didn't have a good job nor did Jim.
They stayed there, for they didn't have enough money to move.	I didn't speak French, nor did I write it.
I have been working all year, so I am going to take a vacation.	His voice was very weak, yet the student understood him.

- ✓ بعد از nor, inversion می شود.
- ✓ for برای بیان دلیل و علت به کار می رود.
- ✓ but و yet برای بیان مغایرت به کار می روند.
- ✓ so برای بیان نتیجه یک عمل به کار گرفته می شود.

Correlative Conjunctions
قیود ربطی دو بخشی

either or neither nor not only but also both and

Either I will come, or I will call you.
Neither am I rich, nor am I poor.
Not only Bob is here, but his roommates are also here.
I am neither rich nor poor.
Not only Bob but also his roommates are here.
Not only Bob is here, but his roommates are also here.
Not only Bob is here, but his roommates are also here.
Both Ali and his brothers <u>are</u> sick today.

- ✓ می توانند جملات کامل یا عبارت ها و ساختار های مشابه (دو فعل یا دو صفت یا دو اسم و ...) را به هم وصل کنند.
- ✓ در not only ... but also می توان هم از حالت inverted و هم از حالت معمولی استفاده کرد.
- ✓ در not only ... but also می توان just را جایگزین only کرد و also نیز قابل حذف است.

not just but also not only but also
not just but not only but
✓ بعد از both and، فعل همیشه به صورت جمع به کار می رود.

Conjunctives Adverbs
قیود ربطی

however , nevertheless , still , on the contrary	قیود ربطی نشان دهنده <u>تضاد</u>
more over , also , in fact , furthermore , besides	قیود ربطی نشان دهنده <u>مفهوم به علاوه</u>
hence , therefore , thus , consequently , as a result	قیود ربطی نشان دهنده <u>رابطه علت و معلول</u>
then , afterward , later (on)	قیود ربطی نشان دهنده <u>زمان</u>
otherwise	قید ربطی به معنای والا و وگرنه برای بیان <u>شرط</u>

قیود ربطی نشان دهنده تضاد

however , nevertheless , still , on the contrary

Smoking is dangerous to health; however, many people continue to smoke.
Smoking is dangerous to health; nevertheless, many people continue to smoke.
Smoking is dangerous to health; still, many people continue to smoke.

نمی توان همیشه قید **on the contrary** را معادل سه تی دیگر دانست. این اصطلاح برای بیان تضاد بین دو پاره جمله استفاده می شود که کاملاً متضاد هستند و آشکارا با هم در تضاد می باشند.
Our last exam wasn't difficult; on the contrary; it was easy.

قیود ربطی نشان دهنده مفهوم به علاوه

more over , also , in fact , furthermore , besides

He helped me; moreover, he lent me some money.

قیود ربطی نشان دهنده رابطه علت و معلول

hence , therefore , thus , consequently , as a result

I can't speak French; therefore; I didn't enjoy my trip to France.

قیود ربطی نشان دهنده زمان

then , afterward , later (on)

The state police asked them to go home; afterward the police began to arrest some of them.

قید ربطی به معنای والا و وگرنه برای بیان شرط

otherwise

We must find a solution for this problem; otherwise, we may lose all our money.

عبارت های قیدی بیانگر زمان

After it had stopped snowing, I went outside.

عبارت وابسته از نوع قیدی (زمان)

When I was young, I thought snow was only in Boston.

عبارت وابسته از نوع قیدی (زمان)

After , as , as long as , before , since , until , when , whenever , while

عبارت های قیدی بیانگر مکان

Wherever it's Sunday and warm, I am happy.

عبارت وابسته از نوع قیدی (مکان)

Where , wherever

عبارت های قیدی بیانگر دلیل

In order that

یک جمله کامل + So that

In order to

فعل + So to

Because , since , so that , in order that

Since it is so beautiful there, my parents are going to move.

I want to be near the beach in order that I might learn to water ski.

عبارت های قیدی بیانگر حالت

In California, we can enjoy the beach as we used to in Florida.

My brothers swim as if they were fish.

In California, I will feel as though I were young again.

بعد از as if و as though اگر حالت فرضی و خیالی باشد باید از زمان گذشته استفاده کنیم ← مانند جملات آرزویی و شرطی به جای was از were

As , as if , as though

عبارت های قیدی بیانگر شرط

I will leave the room whether you like or not.

جملات شرطی دارای یک جمله واره یا عبارت قیدی هستند

If , in case , provided that , unless , whether or not

عبارت های قیدی بیانگر نتیجه

So that , such that

عبارت های قیدی بیانگر مغایرت

Although Boston is a beautiful city, I just don't like cold weather.

While I will never miss the cold weather, I will miss my friends in Boston.

Though my father likes mountains and snow, I am sure he will learn to like beaches and sands.

I will probably visit Boston from time to time, in spite of the fact that I will never live there again.

Although , though , even though , while , in spite of the fact that

صورت کوتاه شده عبارت های قیدی



حذف فاعل و فعل کمکی + فعل به صورت ing دار

I fell while I was running down the stairs.

I fell while running down the stairs.

Before I left the class, I asked about the exam.

Before leaving the class, I asked about the exam.

After I had taken the class, I understood about the plan.

After taking care the class, I understood about the plan.

✓ جمله وارہ صفتی، شبہ جملہ یا عبارت وابستہ ای است کہ نقش صفت را بازی و یک اسم را توصیف می کند.

✓ موصول هایی کہ می توانند آغازگر یک جملہ وارہ صفتی باشند:

Who , whom , which , whose , when , where , why , that

All students who do nit study will fail this course.

My brother, who lives in Germany, got married yesterday.

ضروری: جزئی از معنای جملہ است و نمی توان حذف کرد

جملہ وارہ صفتی

غیر ضروری: همان بدل است، توضیحی اضافه کہ می توان آن را حذف کرد.

✓ **That فقط با** جملہ وارہ صفتی **ضروری** بہ کار می رود.

✓ گاهی یک حرف اضافه کہ مربوط بہ فعل است، ہمراہ با ضمیر موصولی بہ کار می رود. در این موارد **that** نمی تواند بہ جای **who** یا **which** بشیند.

The country is Germany. Gutte was born **in** this country.
The country **in which** Gutte was born is Germany.

x , that
x that,

✓ بدل (غیر ضروری) **همواره** بین دو کاما یا ویرگول قرار می گیرد ← در هیچ سمت **that** کاما یا ویرگول قرار نمی گیرد.

صورت کوتاه شدہ عبارت های صفتی ← موصول و فعل ربطی (to be) هر دو باید حذف شوند

The student who is talking to the teacher is from china.
The student talking to the teacher is from china.

Anyone that is interested in physics should study hard.
Anyone interested in physics should study hard.

Who , Whoever

برای انسان در حالت فاعلی

Whom

برای انسان در حالت مفعولی

Whose

حالت ملکی

Which

برای اشیا و حیوانات

That

برای انسان و حیوان

What

When

where

I know **when** he will come.

Whoever is coming to the college, must bring his book.

Ali is the man **whose** car is red.

I don't know **where** we should go.

✓ عبارت اسمی در جایگاه یک اسم قرار می گیرد.

✓ عبارت های اسمی نیز با یک موصول شروع می شوند.

✓ جملہ وارہ اسمی می توانند در ابتدای جملہ و در جایگاه فاعل بہ کار بروند ← در این موارد نمی توان از کلمہ دیگری بہ جز **that** استفاده کرد.

That we accepted his apology made him feel better.

It made him feel better that we accepted his apology.

← در این حالت اگر **it** در جایگاه فاعل بیاید ساختار جملہ تغییر می کند.

✓ در ساختار عبارت اسمی موصول هایی مانند **who , what , where , when , how , ...** سوالی نیستند و نباید معکوس شوند. I don't know what your name is. → What is your name?

✓ بعد از **that** معمولاً همیشه **have** می آید نہ **has**

When did he arrived?

۱. در حالت سوالی

Here is the man we have talked about.
Nowhere have I seen such beautiful lake.
In the forest are many animals.
On every continent are some more than 300 spiders.

بعد از برخی قید های مکان مثل nowhere, there, here و یا قید های مکان دیگر که در ابتدای جمله بیایند، جای فعل و فاعل عوض می شود.

۲. بعد از برخی از عبارت های مکان

Hardly ever does he go swimming.
Not once did I miss a question.
At no time can the woman talk on the telephone.

بعد از برخی قید های منفی ساز که در ابتدای جمله بیایند، جای فعل و فاعل عوض می شود.
Not, No, Never, Neither, Nor, Barely, Hardly, Rarely, Scarcely,
Only rarely, Only barely, Seldom, Not only

۳. بعد از برخی از قیود و عبارت های منفی ساز

If he had taken, Had he taken,
If we were Were I
If you should arrive Should you arrive

هرگاه فعل کمکی جمله شرطی should, were, had باشد و if حذف شود جای فعل و فاعل عوض می شود.

۴. در جملات شرطی بعد از حذف if

We were more prepared than the other people were.
We were more prepared than were the other people.

در بعضی از عبارت های مقایسه ای جای فاعل و فعل عوض می شود، اما اختیاری است و این مورد اهمیت کمتری دارد.

۵. در برخی ساختار های مقایسه ای

- × He should try to completely solve the problem.
- ✓ He should try to solve the problem completely.

در هیچ شرایطی دو بخش مصدر از هم جدا نمی شوند.